

سخنی با شما

همینا از عصر زرین فرسنگ و تمدن ایران فراوان شنیده ایم، این که ادبا و دانشمندان بر حبه بسیاری از این خاکسگه پر گهر برخاسته اند و حتی در روزگار خود شهرتی جهانگیر یافته اند. این که در بسیاری از مراکز فرهنگی و علمی دنیا هنوز آثار برخی از این بزرگان، مرجع مقصد آموزشی است. این که هوش، هنر و دانش ایرانی حتی جهانگشایان زورمدار را چنان تحت تأثیر قرار می داد که اندک اندک و زیر کاغذ در دستگاه قدرت آنها رسوخ می کرد و فرسنگ آنان را از دون دگرگون می ساخت و....

اما آیا می توان تا همیشه فقط و فقط به داشته های گذشته نازید و فخر فروخت؟ آیا ما به راستی نگاهبانان شایسته ای برای این میراث ارزشمند بوده و، ستیم؟ آیا با توجه به رشد فرهنگی بشریت ما نیز توانسته ایم بر شالوده این کنجینه بی شمایی پیشینان رشد بسزایی داشته باشیم؟ بی گمان پاسخ بیچ کلام ما به بیچ یک از این پرسش ها مثبت نیست!

باز هم بسیار شنیده ایم و می شنویم که سران مطالعه شخصی و رویکرد مردم به مسایل فرهنگی در کشور ما به گونه ای انکارناپذیر و شرم آور ناچیز است. آنگاه دلایلی که بیان می شود، چیست؟ کرائی محصولات، تچاپوسی بیش از اندازه برای گذران زندگی، کمبود وقت، سانسور فرهنگی، ناهمسازی با توسعه فرسنگ جهانی و هزاران بهانه توجیه کننده هزار رنگ دیگر! اما اگر حرکت از مصادقات به پرسش های زیر پاخ دهیم، به روشنی در می یابیم که علت اصلی این دور افتادگی در خودمان و دون ماست، نه دیگران، قوانین اجتماعی و در جایی پیرامون ما! از شما می خواهیم با صداقت و درستی به این پرسش ها پاسخ دهید:

۱- شما اوقات فراغت خود را چگونه می گذرانید؟

۲- آیا در روز زمان ویژه ای را به کتاب خواندن اختصاص می دهید؟

۳- در سال چند کتاب می خوانید؟

۴- تا چه اندازه با آثار کهن و نوین فرسنگ فارسی آشنا هستید؟

۵- چند بار در سال به سینما می روید؟

۶- برای انتخاب کتاب، فیلم یا محصولات فرهنگی دخواه خود چه معیارهایی دارید؟

۷- چند بار در سال برای دیدن تاتری می روید؟

۸- آیا آلبوم خواننده یا فیلم محبوب خود را می خرید، یا از آن کپی برداری می کنید؟

۹- برای آشنایی کودکان خود با کتاب چه کارهایی کرده اید؟

۱۰- آیا به دوستان و آشنایان خود، کتاب هدیه می دهید؟

ساده اندیشی ست اگر گمان کنیم در کشور های پیشرفته که رویکرد عمومی به مسایل فرهنگی چشم گیر است، فقط قوانین جاری دولتی و رفاه اقتصادی زمینه ساز چنین استقبالی هستند. بلند پروازی و رویکرد آزی ست اگر بپنداریم فقط بر پایه برخی استعداد های خارق العاده و بدون بیچ حرکت فراگیر، جمعی و منظمی در عرصه فرهنگی می توان به چنین پیشرفتی دست یافت. آسان ترین راه آن است که این گناه بزرگ را میان این و آن تقسیم کنیم و بگویم تا زمانی که بزرگان و دولتمردان این سرزمین تدبیری اساسی نیندیشند، از یکایک ماکاری ساخته نیست. اگر خواهان حل مشکلات گوناگون شخصی و اجتماعی، ستیم، بهتر است ایمان بیاوریم که مستقیم ترین و موثرترین راه رو آوردن به کتاب خوانی ست و این خود ما، ستیم که باید در این راه کام برداریم. تصادفی نیست که حتی در پیش پا افتاده ترین فیلم های کورنایی که کام بانی بلند در عرصه رشد برداشته اند، می بینیم که کتاب به شکل طبیعی در صحنه ها جایگاهی ویژه دارد.

کتاب در اتاق خواب، بیمارستان، وسایل رفت و آمد عمومی، در دست کودکان و قهرمانان فیلم و در کجا به سادگی به چشم می خورد و بخشی جدانشدنی از زندگی روزمره مردم است. آنها به درستی به این تحقیقت ساده دست یافته اند که کلید اصلی مشکلات در مطالعه نهفته است و کتاب خوانی بنیادی همه آموزش های فزاینده است.

با این دیدگاه بود که من به عنوان مدیرمسئول انتشارات گلک آزدگان، دست به کار راه اندازی این سایت شدم. زیرا یکنه راه کنهسانی و افزودن بر این فرهنگ پر بار را آگاهی می دانم و دستیابی به آگاهی نیز بدون خواندن کتاب ممکن نمی شود. من خود بارها تجربه کرده ام که گاهی حتی مطالعه مطالب بسیار ساده چنان بینش و آگاهی ژرفی در وجودمان پدید می آورد که به خودی خود در اندک مدت به درگونی بنیادین زندگی مای انجامد و حاصل این درگونی ایجاد انگیزه، توانایی و استقلال دیدگاه و اندیشه است. همچنین از صمیم دل باور دارم که این مسیر، رسیدن به آزادی واقعی را که زیربنای فرهنگ و تمدن بشری است به همراه دارد. با این استدلال اگر کسی به راستی دل درگرو فرهنگ و تمدن این آب و خاک دارد، باید آگاهانه از خود آغاز کرده و در نخستین گام با کتاب و کتاب خوانی آشتی کند. فقط در این صورت است که می توان به تشویق دیگران پرداخت و دوستان را نیز به میمانی کتاب، آگاهی و آزادی بردوز آنان با فرهنگ و تمدن پذیرایی کرد.

از این رو من راه اندازی این سایت را حرکتی در جهت برقراری ارتباط گسترده فزاینده و به گونه ای وظیفه فزاینده خود می دانم و تلاش کرده ام تا امکانات لازم را خواه از نظر اطلاع رسانی و خواه شیوه های گوناگون پشتیبانی و تشویقی در آن جای دهم. من باشوق فراوان نخستین گام را همراه با همکاران انتشارات در این راه برداشته ام و آنچه را در توان داشته و از دستم برمی آمده، در میان گذاشته ام، با این امید که کمک کمک شما همراه ما شوید و بایاری رسانی به رشد فزاینده، ناشر آگاهی باشید و در گام های بعدی دیگران را نیز به عشق ورزی با کتاب تشویق کنید.

مجید حمید

۱۳۸۶ آذر